اخبار

فوتبال ملوک‌الطوایفی

۲۲ اسفند سرسخت‌ترین رقبای فوتبال برزیل، گرمیو و اینترناسیونال آخرین مسابقه مهم را مقابل دیدگان هواداران و در کوپا لیبرتادورس بازی کردند و بعد از آن ویروس کرونا همه‌چیز را به تعطیلی کشاند. این هفته رقبای شهر پورتوآلگره به‌عنوان نخستین تیم‌های بزرگ برزیلی تمرین‌های‌شان را شروع کردند؛ اینتر از دیروز و گرمیو از امروز. هنوز مشخص نیست بازی‌ها از کی از سر گرفته می‌شوند اما یک چیز قطعی است و آن اینکه موضوع جنجال‌برانگیزی مطرح شده.

آمار مرگ در برزیل بر اثر کرونا به ۷۵۰۰ نفر رسیده و متخصصان انتظار اوج گرفتن بیماری در دو ماه آینده را دارند. در عین حال کشورهای همسایه که کمتر آسیب دیده‌اند، احتیاط بیشتری می‌کنند. آرژانتین به‌عنوان مثال، دسامبر را محتمل‌ترین ماه برای شروع دوباره فوتبال می‌داند در حالی که «بولسونارو»، رئیس‌جمهوری برزیل هیچ‌وقت تمایلش برای شروع هرچه زودتر رقابت‌های فوتبال را پنهان نکرده. وزیر بهداشت جدید او هم اعلام کرده در حال مذاکره با مقامات فوتبالی کشور است که برخی از آنها نیز میل دارند با رعایت احتیاط، بازی‌ها از سر گرفته شوند. بولسونارو می‌گوید خطر چندانی وجود ندارد چون بازیکنان جوان و سالم هستند.

اما نظر بازیکنان چیست؟ برزیل سابقه زیادی در ستیزه‌جویی سیاسی فوتبالی‌ها ندارد اما زیر چتر «فدراسیون ملی ورزشکاران حرفه‌ای» گروهی از بازیکنان عالی‌رتبه و خوشنام فوتبال یک بیانیه ویدئویی صادر کردند. ۱۶ بازیکن از ۱۲ تیم طراز اول در این بیانیه هستند و هر کدام صحبت‌هایی می‌کنند. نام‌ها شامل دیه‌گو و اورتون ریبیرو از فلامنگو، کاسیو دروازه‌بان کورینتیانس و فلیپه ملو از پالمیراس می‌شود. تقریباً همه باشگاه‌های بزرگ از ریودوژانیرو، سائوپائولو و بلوهوریزونته نماینده‌ای دارند اما پورتو آلگره نه.

دیه‌گو با این جمله که «زمان اتحاد است» شروع می‌کند. آنها تأکید می‌کنند عاشق فوتبال هستند و بی‌صبرانه منتظر بازگشت، اما دروازه‌بان باسابقه اتلتیکومینیرو، ویکتور می‌گوید: «ما باید به فکر سلامت همه باشیم.» اورتون ریبیرو که غالباً صدای خود را در حمایت از بولسونارو بلند می‌کند، روی ایجاد شرایط کاری ایمن تأکید دارد و ویدئو با حرف‌های او به پایان می‌رسد با اعلام اینکه «با کمک یکدیگر این مسابقه را هم می‌بریم.»

استفاده از ملو برای تمام کردن این ویدئو شاهد آشکار لحن صلح‌جویانه آن است. هیچ میل عمومی برای مقابله با رئیس‌جمهوری که از حمایت گسترده جامعه فوتبال برخوردار است، وجود ندارد. این ویدئو از یک جنبه دیگر نیز بسیار محتاطانه عمل می‌کند.

همه این بازیکنان پرآوازه هستند و پیام آنها مشخص می‌کند بیشتر فوتبالیست‌های برزیلی درآمد زیادی ندارند و فشار اقتصادی روی آنها خیلی بیشتر از ستاره‌های تیم‌های بزرگ است که دستمزدهای خوبی می‌گیرند. به عبارت دیگر هرچه تعطیلی طول بکشد احتمال اینکه برخی تیم‌ها برچسب حرفه‌ای خود را از دست بدهند بیشتر است، اما نیاز به احتیاط، مورد تأکید قرار گرفته. از جمله کسانی که جان خود را بر اثر ویروس کرونا از دست داد، ژرژینیو بود؛ متخصص ماساژ که از سال ۱۹۸۰ با فلامنگو کار کرده بود و بخشی از کادر فنی تیم ملی برزیل در جام‌جهانی ۲۰۰۲ بود که به قهرمانی رسید.

این خبر برای کسانی که امیدوار به شروع دوباره سریع فوتبال در ریو بودند شوکه‌کننده بود هرچند بوتافوگو، یکی از رقبای اصلی فلامنگو، بشدت با شروع عجولانه فوتبال مخالفت می‌کرد. کارلوس آگوستو مونته نگرو، مدیر بوتافوگو، آشکارا گفت تیمش به این زودی‌ها به تمرین برنمی‌گردد و با کمال میل جریمه‌اش را پرداخت می‌کند: «هر امتیازی که از ما کم می‌شود جان انسان‌هایی را نجات می‌دهد.»

داستان سوررئال یک رسوایی عظیم رسانه‌ای

یک دهه قبل رسانه های انگلیسی شایعه ارتباط جان تری با همسر وین بریج را به یک بحران بزرگ تبدیل کردند اما این موضوع هیچ وقت ثابت نشد. به طور رسمی هیچ اتفاقی رخ نداد. به هر حال جزئیات بیشتری وجود ندارد: تا امروز ونسا پرونسل مصرانه وجود هرگونه رابطه با جان تری در اواخر سال ۲۰۰۹ را رد می کند و برای تایید ادعایش، عذرخواهی های کتبی و مدارک قانونی را نگه داشته است. اما همچنان ارزش دارد که به این ماجرا بپردازیم؛ حتی تنها به این دلیل که مجبور شویم با فاصله عمیق و غیرقابل ارزیابی آنچه می دانیم و آنچه در همه این سال ها تصور می کردیم، مواجه شویم.

برای یک دهه، واقعیت و داستان پردازی با هم گره خورده بود. در طول زمان، ماجرای اینکه چگونه جان تری و دوست و هم تیمی سابقش، وین بریج، در مرکز یکی از عجیب ترین ماجراهای خیانت در فوتبال انگلیس قرار گرفتند، شکلی سوررئال پیدا کرد و حتی شاید تا اندازه ای غیرواقعی: یک خاطره بد که بسیاری ترجیح می دهند وانمود کنند هرگز رخ نداده است.

با این وجود، این ماجرا همچنین بحث در مورد چندین موضوع مرتبط دیگر را به همراه دارد: محدوده زندگی شخصی، ضروریات سلبریتی بودن، مرز آزادی مطبوعات؛ چه اتفاقی می افتد وقتی رسانه های بی قانون و بدون دیسپلین عصر جدید با طمع ورزی و هوچی گری رسانه های قدیمی همراه می شوند. این داستان جنبه های بی زمان و جهانی ای هم دارد: دوستی و خیانت، چشم چرانی و اخلاق گرایی؛ کنجکاوی زشت و بی مسئولیت ما در مورد آنچه افراد مشهور در خلوت اتاق خواب انجام می دهند.

این اتفاق، زندگی و سابقه هر سه آدم ماجرا را شکل داد. یک دهه بعد، همچنان وین بریج وقتی از کنار ساختمانی رد می شود یا ویدئویی در شبکه های اجتماعی منتشر می کند، یک نفر نام جان تری را فریاد می زند یا می نویسد. برند شخصی جان تری هم به شکلی جبران نشدنی، خدشه دار شد؛ بازوبند کاپیتانی انگلیس از او گرفته و جایگاهش به عنوان شریرترین چهره فوتبال تثبیت شد. اما چهره مرکزی این داستان، اصلا فوتبالیست نیست.

به نظر پرونسل، یک مادر تنهای ۳۳ ساله که هیچ قانونی را زیر پا نگذاشته است، اتفاقات اوایل سال ۲۰۱۰، درس بی‌رحمانه ای بود که چطور فوتبال و جامعه با زنان رفتار می کند: شیوه ای که آنها را بر اساس نگاه مردان، طبقه بندی می کند، طبقه بندی ای که سپس علیه خودشان استفاده می شود.

«زنی که جان تری را زمین زد»، آنطور که یک روزنامه نوشت، در سال ۱۹۷۶ در باندول، روستایی در کوت ده زور به دنیا آمد. والدینش یک فروشگاه پوشاک را می گرداندند و وقتی او پنج ساله بود، از هم جدا شدند؛ وقتی او ۱۱ ساله بود، پدرش درگذشت. بعد از سپری کردن سال های نوجوانی در پاریس با مدلینگ و بازیگری، به لندن مهاجرت کرد؛ جایی که برای پول در آوردن، در یک باشگاه شبانه در سوهو کاری برای خود دست و پا کرد. در آنجا بود که در سال ۲۰۰۴ با وین بریج، بازیکن چلسی، ملاقات کرد.

بریج که در آن زمان ۲۳ ساله بود، مدافع چپی بود که در اوج دوران حرفه ای اش قرار داشت. او که در آغاز عصر رومن آبراموویچ، به قیمت ۷ میلیون پوند از ساوتهمپتون خریده شد، در اولین فصل در چلسی، نقشی کلیدی ایفا کرد و گلی حیاتی به ثمر رساند که باعث حذف آرسنال از چمپیونزلیگ شد. برای سال ها، بزرگترین مانع بریج، نداشتن اعتماد به نفس بود؛ آن غریزه تمام کنندگی که بازیکنان خوب برای رسیدن به اوج به آن نیاز دارند. در نهایت، شرایط تغییر کرد.

بریج و پرونسل پنج سال با هم بودند و در این مدت، رابطه دوستانه نزدیکی با مردی ایجاد کردند که جایگاه و شخصیتش، باشگاه چلسی را تبدیل به یک امپراطوری کرد. تری که در منطقه نسبتا فقیرنشین شرق لندن بزرگ شده و به عنوان کارآموز YTS (مخفف Youth Training Scheme یا برنامه تمرینی جوانان که زیر نظر آن، افراد ۱۶ و ۱۷ ساله می توانستند در حین تحصیل، برای کسب درآمد کار کنند.) هفته ای ۴۸ پوند دستمزد می گرفت، به جایگاهی استثنایی در قلمروی آبراموویچ رسید: کاپیتان چلسی، کاپیتان انگلیس، یکی از معدود افرادی که درهای اتاق مالک باشگاه به روی‌اش باز بود و با او در مورد تاکتیک ها، هم تیمی ها، خریدهای احتمالی و حتی مربیان مشورت می کرد.

دنیای تری

برای مرد جوانی مانند وین بریج، رفتن از فضای خواب زده ساوتهمپتون به دنیای جان تری، چطور می توانست باشد؟ آنهایی که تری را می شناختند، می گفتند که او نسبت به روزهای نوجوانی اش کمی تغییر کرده بود. پول نبود که او را تغییر داد، بیشتر کنترل کردن شرایط باعث این تغییر شد؛ نه موفقیت های درون زمین، که ستایش‌ها و شهرت این تغییرات را به همراه داشت. کارلو آنچلوتی در مورد او گفته بود: «هیچ جوکی در مورد او ساخته نمی شود؛ هرگز. نمی دانم بقیه بازیکنان از او می ترسند یا نه.»

برای مدتی، زمانی که تری در حال رسیدن به قله فوتبال انگلیس بود، به دلیل رفتار دوستانه و توانایی اش در دادن جواب های سرراست به سوال های صریح، به چهره محبوب رسانه ها تبدیل شد. اما او توسط همین رسانه ها، نقره داغ هم شد. در اواسط سال ۲۰۰۹، پدر او، تِد، به دام نشریه جنجالی نیوز آو د ورلد (News of the World) افتاد و برای یک خبرنگار که تغییر چهره داده بود، کوکائین تهیه کرد. ماه بعد، همین نشریه فیلمی از جان تری منتشر کرد که در آن، به نظر می رسید او برای یک تور خصوصی در زمین تمرین چلسی، ده هزار پوند دریافت کرده بود.

او ادعا کرد که این پول به خیریه داده شد اما تصویری که از او داده شده بود، مردی با قدرت افسار گسیخته را نشان می داد که به قمار معتاد است؛ و این امکان را دارد که هر کاری می خواهد را انجام بدهد و لاپوشانی کند و سپس با اعتماد به نفسی خیره کننده، توجیهی برای آن پیدا کند. تابستان سال قبل، بعد از دریافت پیشنهاد از منچسترسیتی، جان تری توانست قراردادش را با دستمزد ۱۷۰ هزار پوند در هفته تمدید کند. در آن جلسه، این تری بود که به دنبال گرفتن تضمین های لازم از آبراموویچ بود، نه برعکس.

در همان تابستان، بریج و پرونسل از هم جدا شدند. بریج در اوایل سال ۲۰۰۹ به منچسترسیتی رفت و بعد از تلاش چند ماهه برای از سرگیری رابطه، آنها سرانجام از هم جدا شدند. چند وقت بعد از آن، جان تری چند باری به ملاقات پرونسل و پسر سه ساله اش، جیدون، در خانه شان در سوری رفت. پرونسل در مصاحبه با آبزرور و هر مصاحبه دیگری که در مورد این ماجرا انجام داد، همین را تکرار کرد: ما دوست بودیم، همین. او گفت: «آنچه بین ما بود را نمی توان رابطه عاشقانه دانست. فقط یک دوستی بود. یک کلمه از آنچه در مورد من نوشته شده، درست نیست.»در ۲۲ ژانویه ۲۰۱۰، در حالی که هنوز نشریه نیوز آو د ورلد به دنبال یافتن جزئیاتی از ماجرا بود، تری از بند قانونی ای در دادگاه استفاده کرد که براساس آن، رسانه ها از پرداختن به زندگی شخصی و خانوادگی او منع می شدند. یک هفته بعد، قاضی تاگنهات این حکم را لغو کرد؛ با این دلیل که شکایت تری، از زندگی شخصی اش محافظت نمی کند، بلکه از سابقه او و به ویژه قراردادهای اسپانسری اش محافظت می کند. حکم قبلی ساعت ۲ بعدازظهر ۲۹ ژانویه لغو شد و ناگهان غوغایی به پا شد.

خیانت دیده از دوست

رسانه های بریتانیایی هرگز تا این اندازه برای انتظار شایعات از یک ماجرای خصوصی سلبریتی ها، عذر و بهانه نداشتند. هرچند در این اینجا دو عامل تشدیدکننده هم وجود داشت. ماجرای خیانت تایگر وودز که چند ماه قبل اتفاق افتاده بود، اشتیاق عمومی برای چنین سوژه‌ای را افزایش داده بود. علاوه بر این، یک نظر جمعی در فلیت استریت (Fleet Street خیابانی در لندن که اتحادیه فوتبال انگلیس در آن قرار دارد) این بود که تری را به خاطر گستاخی اش در بی‌اعتنایی به آنها تنبیه کنند. بریج و تری رابطه دوستانه و نزدیکی با هم داشتند و این دوستی در زمین هم کاملا به چشم می‌آمد.

در تمام طول روز، داستان هایی در مورد زندگی خصوصی جان تری در اینترنت منتشر می شد. روز بعد، این ماجرا حضور آتشین تونی بلر در جلسه رسیدگی به ماجرای حضور بریتانیا در جنگ عراق را کنار زد و به تیتر یک روزنامه های سراسری تبدیل شد. گزارش های ابتدایی، تقریبا منحصرا روی خیانت تری به هم‌تیمی‌اش تمرکز داشت. این واقعیت که این دو دیگر در یک باشگاه بازی نمی کردند، اینکه بریج و پرونسل دیگر زوج نبودند و انکار شدید در مورد اینکه هیچ رابطه عاشقانه‌ای در کار نبوده: همگی به راحتی کنار گذاشته شدند. «جان تری به همسرش خیانت کرد» تیتر یک صفحه اول دیلی میرر بود. «کاپیتان و بهترین دوستش به او خیانت کرد» یکی از تیترهای داخلی سان بود؛ زیر تصویری دو صفحه ای از پرونسل. از همان ابتدا، این داستانی بود که در آن مردها به عنوان نقش آفرینان اصلی معرفی شدند و زن‌ها، ابزارهایی منفعل بودند.

مهمتر از همه، آنچه اساسا در این هیاهوی دیوانه وار نادیده گرفته شد، این بود که اینها انسان‌هایی بودند که با همه اشتباهات‌شان، زندگی‌شان تکه‌تکه شده بود. بریج در بیانیه ای که از طریق وکیلش منتشر شد، گفت: «نگرانی اول من، آسایش پسرم است.» تونی، همسر تری، با دو قلوهای سه ساله اش به دوبی پرواز کرد؛ جایی که با گروهی عکاس و خبرنگار او را دنبال می کردند تا لحظه ای از اندوه زنی را شکار کنند که کنار استخر چهره در هم کشیده بود. در بین فوتبالی‌ها، همدلی های زیادی با بریج شد. بازیکنان زیادی، پیام های حمایتی برای او فرستادند. حتی رختکن چلسی که همیشه به کاپیتانش وفادار بود، این بار عمیقا دو دسته شد. یکشنبه آن هفته، دو روز بعد از افشا شدن اتهامات، کارلوس تبس، استفن آیرلند و نایجل دی یونگ، هم تیمی های بریج در منچسترسیتی، بعد از پیروزی مقابل پورتسموث، تی‌شرت‌هایی پوشیدند که روی آن نوشته شده بود: تیم بریج . با سرعتی خیره کننده، این موضوع به شدت شخصی، شروع به قطبی کردن جامعه کرد. تبس بعدا گفت: «اگر کاری که تری کرد را در آرژانتین انجام بدهید، کشته خواهید شد. به نظر من، تری با کاری که با بریج کرد نشان داد هیچ پایبندی اخلاقی‌ای ندارد. در محله ما، اگر این کار را انجام بدهید، پاهای تان را از دست خواهید داد.»

در مورد پرونسل چه؟ او نه کاپیتان انگلیس بود و نه یک فوتبالیست انگلیسی، نه یک سلبریتی تمام عیار. واضح بود که افکار عمومی علاقه ای به افشای زندگی خصوصی او نداشت؛ با این وجود، آنها برای ضربه زدن به تری، دقیقا کاری که باید انجام می دادند، رفتن به سراغ پرونسل بود. رسانه ها برای روشن نگه داشتن آتش شایعات اطرافِ تری، نیاز داشتند که بهانه ای هم برای آتش زدن پرونسل پیدا کنند. او باید مانند فردی بدذات واکنش نشان می داد؛ کسی که استحقاق هرچه که در روزها، هفته ها و سال های بعد بر سرش می آمد، دارد. نیوز آو د ورلد او را بلوند بی‌شرم، یک خانه‌خراب‌کنِ بی‌وفا توصیف کرد. در بخشی کینه‌توزانه از مقاله دیلی میل هم اینطور آمده بود: زنی که واقعا جاه طلبی حریصانه‌ای داشت. پرونسل بعدا اینطور به یاد آورد: «من نمی دانستم چه کار باید بکنم یا چه چیزی بگویم. احساس وحشتناکی بود. من یک پسر سه ساله داشتم؛ فرزندی که بعدا می توانست این چیزها را بخواند. همه آنها ساختگی بود. اما نمی توانید مبارزه کنید. چه کار می توانستم انجام بدهم؟» البته شکل های جدیدتری از رسانه هم بودند که باید نگران‌شان بود. اتهام های مبتذلی علیه آنها در شبکه های اجتماعی مطرح شد. تصاویر فتوشاپ شده بریج که در حال کتک زدن جان تری بود، در سراسر اینترنت منتشر شد. اُپتاجو، اکانت توئیتری محبوب فوتبالی، این طور توئیت کرد: «جان تری خارج از خانه، بیشتر گل زده، تا در خانه؛ جالب» پیامک ها و ای میل ها پر از جوک های نامناسبی در این مورد بود.

ناگهان همه از کاربران توئیتر تا ستون‌نویس‌های معروف در این مورد نظری داشتند. یک نظرسنجی از YouGov (یک کمپانی مربوط به داده ها و نظرسنجی های عمومی در سطح جهان) مشخص کرد که تنها ۷ درصد از افکار عمومی بریتانیا اعتقاد داشت که تونی باید به زندگی با تری برگردد.

مقامات فوتبالی بیشتر حیرت زده شده بودند، تا خشمگین. سپ بلاتر، رئیس وقت فیفا، در واکنشی تند و تیز، گفت که اگر این اتفاق در یک کشور لاتین رخ می داد، مورد تشویق قرار می گرفت. در طول زمان ماجرای جان تری-وین بریج به یک تابلوی خالی تبدیل شد که هرکسی چیزی روی آن می نوشت؛ رابطه بود؛ دوستی بود؛ فوتبال بود؛ جوک بی مزه شما بود؛ یک ارجاع شکسپیری بود که می توانید از آن استفاده کنید تا در مهمانی شام خودتان را باهوش نشان بدهید. خلاصه اینکه هر چیزی بود که شما می خواستید.

فراخوانده شده به ومبلی

برای فابیو کاپلو، سرمربی تیم ملی انگلیس، که در حال ساختن تیمش برای جام جهانی در آفریقای جنوبی بود، این یک درد عظیم در پشت بود. کاپلو دوران نقاهت بعد از عمل جراحی زانویش را در تعطیلات در سوئیس سپری می کرد که این ماجرا درز پیدا کرد و او تا شش روز بعد- پنج شنبه بعد- به انگلیس برنگشت. فرانکو بالدینی، دستیار او، در آن مدت با بازیکنان صحبت کرد و در خانه کاپلو در بلگراویا (منطقه ای در لندن در نزدیکی وستمینیستر و چلسی)، آنها در مورد اینکه با کاپیتان و گزینه دومش برای دفاع چپ چه باید بکند، بحث کردند. کاپلو بعدا گفت: «اینجا شما در مورد این ماجرا، بیش از کل کشور می خوانید. اما این طبیعی نیست؛ اتفاقی که بین تری و بریج رخ داده است. من هرگز چنین چیزی را تجربه نکردم.» کاپلو پیش از جام جهانی ۲۰۱۰ بازوبند کاپیتانی انگلیس را از تری گرفت اما جنجال بر سر کاپیتانی او در یورو ۲۰۱۲، به جدایی دون فابیو از سه شیرها منجر شد.

اتحادیه فوتبال برای نشان داد مدیریت تعیین‌کننده‌اش، به نمایندگی از کاپلو به طور کامل در این مورد تصمیم گرفت. روز بعد، ۵ فوریه، جان تری در حالی که قدم به قدم توسط هلیکوپتر اسکای نیوز تعقیب می شد، به ومبلی فراخوانده شد و در جلسه ای ۱۲ دقیقه ای، از کاپیتانی انگلیس خلع شد. گوردون براون، نخست وزیر وقت، بعد از ترک جلسه کابینه گفت: «او باید خیلی سریع تصمیم می گرفت. او نمی توانست اجازه بدهد شرایط همین طور ادامه پیدا کند. او تنها می تواند بداند که این اتفاق چه تاثیری در رختکن داشت.»

شاید تصمیم کاپلو، چیدن پرهای تری و نگه داشتن بریج بود. اگر این طور بود، این نقشه تاثیر عکس داشت. چند هفته بعد، در ۲۵ فوریه، بریج به طور ناگهانی با ۳۶ بازی ملی برای انگلیسی، از این تیم خداحافظی کرد و ادعا کرد که حضورش غیرقابل تحمل و باعث اختلاف شده بود. دیلی میل که از این مسئله جا خورده بود، به خاطر این تصمیم، او را بزدل و بی‌غیرت توصیف کرد.

توجهات حالا به دیدار ظهر شنبه چلسی و منچسترسیتی جلب شده بود؛ جایی که این دو برای اولین بار با هم روبرو می شدند. مراسم پیش از بازی هیچ دیداری در لیگ برتر- چلسی در صدر بود و منچسترسیتی در رتبه چهارم- تا آن اندازه اتفاقات درون زمین را تحت تاثیر قرار نداده بود. یک بنگاه شرط بندی ۷-۲ پیش بینی کرده بود که هیچ یک از بازیکنان سیتی با تری دست نخواهند دارد و ۱۰-۱ برای اینکه هر دو بازیکن با خطا روی یکدیگر کارت زرد خواهند گرفت.

در پشت صحنه، بحث های زیادی در جریان بود. در خلوت، بریج بر سر دو راهی قرار گرفته بود. پیام های همدردی به او جسارت داده بود؛ بعضی از آنها از طرف بازیکنان چلسی و بعضی هم از هم تیمی های خودش. اما به خاطر درخواست مدیران سیتی، ذهنش درگیر هم شده. آنها از او خواسته بودند از هر حرکتی که آتش این ماجرا را شعله ورتر کند، بپرهیزد. حتی زمانی که دو تیم در تونل ورزشگاه صف کشیدند، مدیران باشگاه همچنان در حال متقاعد کردن بریج بودند که با تری دست بدهد. علی‌رغم اصرار مدیران سیتی، بریج حاضر نشد با جان تری دست بدهد. او یک بار دیگر در دیدار چلسی- وستهام هم حاضر به دست دادن با دوست سابقش نشد.

در تصاویری که احتمالا بیش از صحنه قتل جان اف کندی پخش و دیده شد، تری دستش را جلو برد اما بریج از دست دادن امتناع کرد. در حالی که در جایگاه شِد اِند (Shed End) بنری قرار داده شد که روی آن نوشته شده بود: تیم تری، این تیم باانگیزه و انتقام‌جوی سیتی ۴-۲ پیروز شد؛ اولین پیروزی آنها در استمفوردبریج بعد از ۱۷ سال. کرگ بلیمی بعد از بازی با خوشحالی گفت: «همه در فوتبال می دانند که جان تری خارج از زمین چه جوری آدمی است. من می دانستم جی تی چطور آدمی است. اصلا از این اتفاق شگفت زده نشدم.»

یک ترومای ملی

البته تری این امتیاز را داشت که بتواند فوتبالش را از این جنجال ها دور نگه دارد. تقریبا در همان زمان که تری بار دیگر بازوبند کاپیتانی انگلیس را به دست آورد، دوران حرفه ای بریج رو به افول گذاشت. در تابستان ۲۰۱۰، روبرتو مانچینی با خریدن گائل کلیشی و الکساندر کولاروف در پست او، نیت‌اش را به طور روشن نشان داد. در سال ۲۰۱۴ و بعد از حضور قرضی در وستهام، ساندرلند و برایتون و روزهای توام با مصدومیت های پیاپی در ردینگ، بریج اعلام بازنشستگی کرد. او سال ها بعد گفت: »ناامیدکننده ترین جنبه موضوع این است که من بیشتر به خاطر دست ندادن با کسی معروف هستم، تا به خاطر فوتبالم. در خیابان به من توهین می شود. هنوز فکر می کنم هیچ کسی همه داستان را نمی داند.»دکتر نایجل ایون، روان شناس، این جنجال و ماجرای توهین نژادپرستانه تری در سال ۲۰۱۲ (ماجرایی که در آن آنتون فردیناند، تری را به خاطر رابطه با پرونسل مسخره کرد) را به عنوان « نوعی عجیب از ترومای ملی» توصیف کرد. در مقاله ای درباره این موضوع، او تری را قهرمان ایده آل انگلیسی که تخریب شده، توصیف کرد: شکست ناپذیر درون زمین که با پول و شهرت ناشی از آن، به فساد کشیده شد. در حالی که تری درن زمین تجسم بهترین فرم فوتبال انگلیس بود، خارج از آن، بدترین ها را برای انگلیسی مجسم می کرد. تا امروز، تری اساسا هیچ چیزی در مورد این جنجال نگفته است. آنهایی که به او نزدیک هستند، تاکید می کنند که تا آنجا که به او مربوط می شود، هیچ اتفاقی رخ نداده است. بعد از بازنشستگی در سال ۲۰۱۸، او به عنوان کمک مربی استون ویلا انتخاب شد و هنوز با تونی در سوری زندگی می کند. بریج هم در همان حوالی با همسر جدیدش، فرانکی، زندگی می کند. چندین منبع تایید کرده اند که این دو هنوز با هم صحبت نمی کنند.پرونسل هم با جیدون در سوری زندگی می کند. او این روزها ترجیح می دهد زندگی کم سر و صدایی داشته باشد و به درخواست ها برای اظهارنظر در مورد این ماجرا پاسخ نداد. نمی توان او را به خاطر این تصمیم سرزنش کرد. نام و سابقه او برای سال ها و شاید تا پایان زندگی‌اش، با نام‌های تری و بریج در یادها خواهد ماند و در چند هفته ترسناک، زندگی او برای همیشه تغییر کرد. حتی همین حالا- معمولا وقتی بریج یا تری چیزی می گویند یا کاری انجام می دهند- بعضی سایت ها دلیلی برای انتشار عکس های او در حالی که کاری بسیار معمولی انجام می دهد، پیدا می کنند؛ رانندگی با ماشین، رفتن برای خرید، رفتن به پارک با پسرش.

آگهی مفقودی

اینجانب سمیه بابا رضا فرزند نجف علی به شماره ملی ۲۰۳۱۶۲۵۵۸۶ مالک خودروی سواری سیستم پژوتیپ ۲۰۶TU۳مدل ۱۳۸۴ به رنگ نقره ای- متالیک به شماره شاسی ۱۹۸۳۸۴۵۱ و شماره موتور۱۰FSS۱۵۱۹۳۱۴۳به شماره پلاک ۶۹-۶۸۴و۳۴ بعلت فقدان اسناد فروش (برگ سبز) تقاضای رونوشت المثنی سند خودروی مذکور را نموده است .لذا چنانچه احدی ادعایی در خصوص خود روی فوق دارد ظرف مدت ده روز به دفتر منطقه ایی ساری واقع در کیلومتر۶ جاده ساری به نکا جنب شرکت شمالیت مراجعه نمایند. بدیهی است پس از مهلت مزبور مطابق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.
گنبد کاووس

++

مفقودی

مفقودی برگه سبز خودرو وانت سیستم نیسان تیپ ۲۴۰۰ مدل ۱۳۸۶ رنگ آبی روغنی با شماره موتور :۳۸۶۴۸۵ و شماره شاسی: k۰۶۵۵۳۵ و شماره پلاک ۶۱ ۴۶۴ ق ۲۳ به نام امین مرادی مفقود و ازدرجه اعتبار ساقط می باشد .
سنقر

++

آگهی مزایده اموال منقول (مرحله اول): نظربه اینکه درپرونده اجرایی شماره ۹۸۰۱۶۷ واحد اجرای احکام شورای حل اختلاف شهرستان دالاهو درنظردارد یک دستگاه کانکس ۱۰(ده) متری ورق پیچ با شاسی قطوعی دارای یک درب و یک پنجره آلومینیومی سفید واقع درروستای داراب متعلق به آقایان حسن رضا بیات و حمید رضایی به قیمت ۲۶/۰۰۰/۰۰۰میلیون ریال که توسط کارشناس خبره ارزیابی و تعیین برآورد قیمت گردیده به تقاضای محکوم له و ازطریق مزایده به صورت حضوری درتاریخ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۱۲ ساعت ۹ صبح دراواحد اجرای احکام مدنی شورای حل اختلاف شهرستان دالاهو بفروش برساند . در اجرای مواد ۱۱- ۱۲۲- ۱۲۳ قانون اجرای احکام مدنی لذا طالبین می توانند پنج روز قبل از موعد مزایده از کانکس مورد مزایده با هماهنگی اجرای احکام مدنی شورای حل اختلاف بازدید و سپس در صورت تمایل در جلسه مزایده شرکت نمایند و قیمت پایه از مبلغ کارشناسی شروع و به کسانیکه بالاترین مبلغ را پیشنهاد نمایند واگذار ضمنا برنده مزایده باید ده درصد (۱۰) درصد ارزش کل را فی المجلس و الباقی را ظرف یکماه به حساب سپرده دادگستری واریز نماید و درصورت عدم پرداخت بقیه بهای مال در موعد مقررمطابق ماده ۱۲۹ قانون اجرای احکام مدنی سپرده فوق الذکر پس از کسر هزینه مزایده به نفع دولت ضبط خواهد شد پس از احراز صحت مزایده توسط شورا دستور انتقال مال منقول به نام خریدار صادر میشود و هزینه نقل و انتقال به عهده خریدار می باشد
دادورز شهبه ۱اجرای احکام مدنی شورای حل اختلاف دالاهو – حیاتی

++

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون از ششدانگ پلاک یک اصلی بخش پنج کرمانشاه شهرستان دالاهو تحدید حدود به عمل نیامده است، لذا نسبت به پلاک ذیل طبق ماده ۱۴ قانون ثبت اسناد و املاک در زمانهای ذکر شده تحدید حدود بعمل خواهد آمد. لذا بدینوسیله از کلیه مجاورین و کسانی که نسبت به تحدید حدوداعتراض دارند برابر ماده ۲۰ قانون ثبت اسناد و املاک تا ۳۰ روز اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایید در غیر این صورت حق آنها ساقط خواهد شد خانم اکرم خاموشی فرزند قربانعلی به شماره ملی ۴۹۴۹۷۷۳۶۲۱ نسبت به شش دانگ یکباب خانه مساحت ۱۹۳/۰۱مترمربع احداثی در قسمتی از پلاک یک اصلی کرندبخش ۵ کرمانشاه به آدرس کرند غرب خیابان ولیعصر جاده امیر کبیر پشت هنرستان خلیج فارس خریداری عرصه بر اساس قولنامه عادی از آقای جهانبخش ملک نیازی و خریداری اعیان ملک برابر قولنامه عادی از آقای قربانعلی خاموشی. ضمنا تحدید حدود درروز شنبه مورخ ۹۹/۰۳/۱۷ بعمل خواهد آمد .
تاریخ انتشار : ۹۹/۰۲/۲۰ خلیل بساطی – رییس اداره ثبت اسناد و املاک دالاهو

++

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم ستاره منوری قلعه گلینه برابر وکالت شماره ۴۷۹۶۰ مورخ۱۳۹۹/۰۲/۱۵ با ارائه یک برگ استشهادیه مصدق شده مدعی است که سند مالکیت شش دانگ یکباب ساختمان مسکونی بمساحت ۶۰۶/۵۹ مربع پلاک ۲ فرعی از ۱۶ فرعی از ۱۵۰ اصلی اصلی روستای چله گیلانغرب (استاندارد شده به ۳۶۰- فرعی از ۱۵۰ -اصلی) بخش شش کرمانشاه به شماره سریال ۶۷۳۱۷۵۰دیل ثبت ۸۹۶۷ صفحه ۵۵دفتر املاک جلد۵۵ به موجب رای شماره ۲۳۱۴ هیات ماده ۱۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه بنام خانم ملک پروار ثبت وصادر گردیده ، بعلت سهل انگاری مفقود گردیده است لذا مراتب طبق تبصره یک ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت آگهی می شود تا چنانچه شخصی مدعی انجام معامله وباسند نزد خود باشد مراتب را ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی به این اداره اعلام و ارسال نماید بدیهی است پس از انقضاء مهلت مقرر نسبت بصدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد وسند مالکیت اولیه باطل و از درجه اعتبارساقط خواهد شد .
رئیس ثبت اسامو املاک شهرستان گیلانغرب

++

مفقودی

برگ سبز خودرو سواری سایپا تیپ : ۱۳۱se رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۴ با شماره موتور ۵۳۷۳۱۵۴ و شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰F۱۱۳۱۳۸۰ و شماره پلاک ۹۹ ۴۷۴ ج ۸۲ به نام پیمان پروینی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد .
سنقر

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای
شماره ۲۰۹۹۰۰۵۵۴۷۰۰۰۰۰۴
نوبت دوم

شهرداری سنندج

شهرداری سنندج در نظر دارد مناقصه عمومی تامین نیروی انسانی فضای سبز و عمران را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به آدرس **www.setadIran.ir** انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه در تاریخ **۹۹/۲/۱۷** ساعت **۸** صبح می باشد.

پیمانکاران واجد شرایط: شرکتهای خدماتی دارای گواهینامه صلاحیت مورد تایید اداره کار، رفاه و امور اجتماعی

مبلغ برآورد اولیه پروژه: **۹۰۴۱۲۶۴۰۷۶۶** ریال(نود میلیارد و چهارصدو دوازده میلیون و ششصد و چهل هزار و هفتصد و شصت و شش ریال)

**مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۴۵۲۰۶